Political Knowledge Vol.14, No.1, (Serial 27), Spring & Summer 2018

Structural and agency backgrounds of the Nationalization Movement of the Oil Industry and the Islamic Revolution of Iran

Abbas keshavarz shokri[*]
Malihe Salem[**]

Received: 2017/09/09
Accepted: 2017/12/04

The main question of the paper is what the structural and agency backgrounds of the Nationalization Movement of the Oil Industry and the Islamic Revolution of Iran are. To answer this question, Anthony Giddens' Structuration Theory has been used. For Giddens, the structure and agency are two sides of a coin, and the integrated analysis of the structure- agency must be used to explain social phenomena. The method of this research is documentary and historical analysis, and a note -based tool for collecting information is used. The research hypothesis is that the simultaneous presence of structural and agency causes the occurrence of the National Oil Movement and Islamic Revolution movement. The findings of this research show that in the structural aspect, the most important factors in the national oil movement are: in the economic dimension the oil issue, in the social dimension, the coalition of clerics, intellectuals and marketers, in the field of domestic politics, the dictatorship of government and in foreign policy, the support of the super powers of the Mohammad Reza king, and in the cultural field, the dominant ideology of nationalist ideology. In the structural aspect, the most important factors in the Islamic revolution are: in the field of economy, dependent and uneven development and the rentier state, in the social dimension, the coalition of all classes, in the field of domestic politics, the absolute dictatorship mode of government, and in the foreign policy, dependence of Shah government on super powers, and in the cultural dimension, the dominant and mobilizing ideology of Shi'ism.

But in the agency aspect, in the National Movement, the coalition of Dr. Mossadegh as a representative of the national flow and Ayatollah Kashani as a representative of the religious flow, was effective. In the Islamic Revolution, there was again a coalition between religious, intellectuals and market forces, but the unique leadership of the revolution was by Imam Khomeini and religious flow as the main agents of it.

Keywords: Nationalization Movement of Oil, the Islamic Revolution of Iran, Structures, Agents

---

* member faculty, shahed university, abbaskeshavarz1@yahoo.com
** phd studentl shahed, malihe.salem55@gmail.com

دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی، سال چهاردهم، شمارهٔ اول، پیاپی ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۶۱-۹۰

زمینه‌های ساختاری و کارگزاری نهضت ملی‌شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی ایران

عباس کشاورز شکری *
ملیحه سالم**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱۳

چکیده

سؤال اصلی مقاله آن است که زمینه‌های ساختاری و کارگزاری نهضت ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی ایران چیست. برای پاسخ به این سؤال از نظریه ساختاریابی آنتونی گیدنز استفاده شده است. به نظر گیدنز ساختار و کارگزار دو روی یک سکه‌اند و باید از سطح تحلیل تلفیقی ساختار ـ کارگزار برای تبیین پدیده‌های اجتماعی استفاده کرد. روش این پژوهش تحلیل اسنادی و تاریخی و از ابزار فیش‌برداری از اسناد برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. فرضیه تحقیق آن است که حضور همزمان علل ساختاری و کارگزاری باعث رخدادن نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در بعد ساختاری، در زمینه اقتصادی مهم‌ترین عوامل در نهضت ملی نفت مسئله نفت، در زمینه اجتماعی ائتلاف روحانیون، روشنفکران و بازاریان، در زمینه سیاست داخلی شیوه حکومتی دیکتاتوری و در سیاست خارجی حمایت قدرت‌های بزرگ از شاه، و در زمینه فرهنگی ایدئولوژی غالب ایدئولوژی ناسیونالیستی بوده است. اما در بعد ساختاری مهم‌ترین عوامل در انقلاب اسلامی در زمینه اقتصادی توسعه وابسته و ناموزون و دولت رانتی، در زمینه اجتماعی ائتلاف همه طبقاتی، در زمینه سیاست داخلی شیوه حکومتی دیکتاتوری مطلقه و در سیاست خارجی وابستگی به قدرت‌ها، و در زمینه فرهنگی ایدئولوژی غالب و بسیج‌گر ایدئولوژی تشیع بوده است.

اما در بعد کارگزاری، در نهضت ملی، ائتلاف دکتر مصدق به عنوان نماینده جریان ملی و آیت‌الله کاشانی به عنوان نماینده جریان مذهبی مؤثر شد. در انقلاب اسلامی، باز هم ائتلاف میان نیروهای مذهبی، روشنفکری و بازاری صورت گرفت ولی رهبری منحصر به فرد انقلاب با امام خمینی (ﷺ) و جریان مذهبی به عنوان کارگزار اصلی آن بود.

واژگان کلیدی: نهضت ملی شدن نفت، انقلاب اسلامی ایران، ساختارها، کارگزارها.

---

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد abbaskeshavarz1@yahoo.com
** دانشجوی دکتری رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد malihe.salem55@gmail.com

مقدمه

در تاریخ معاصر ایران، شاهد پنج جنبش مهم برای رهایی از استبداد داخلی و امپریالیسم خارجی هستیم. جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه، نهضت ملی نفت، قیام پانزدهم خرداد و انقلاب اسلامی حرکت‌های مهمی در نیل به این مقصود بودند. دو جنبش اول استبداد داخلی را هدف گرفته بودند و سه جنبش بعدی هم با استبداد داخلی و هم با امپریالیسم خارجی در چالش بودند. در این مقاله به مقایسه علل رخداد انقلاب اسلامی و نهضت ملی نفت پرداخته می‌شود. هدف آن است تا علل ساختاری (علل دور) و علل کارگزاری(علل نزدیک) در این دو انقلاب بررسی شوند.

پیشینه تحقیق

۱- مهدی ابوطالبی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «گروه‌های کلیدی در نهضت مشروطه و ملی شدن نفت» به بررسی نقش طبقات متوسط و سنتی و جدید و میزان تأثیرگذاری آن‌ها، در مقایسه با سایر عوامل، در شکل‌گیری جنبش ملی شدن نفت پرداخته است و در سطح گروه‌ها عملکرد چهار گروه روحانیون، روشنفکران، بازاریان و کارگران را بررسی کرده است. تفاوت بین این اثر و پژوهش حاضر در این است که اثر حاضر به نقش و مقایسه عوامل ساختار ـ کارگزار نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی پرداخته است در صورتی که اثر فوق به بررسی برخی علل کارگزاری نهضت ملی نفت و مشروطه پرداخته است.

۲- جلال‌پور، نورانی (۱۳۹٤)، در مقاله‌ای با عنوان «علل ظهور و افول نهضت ملی نفت ایران» عواملی مانند اتحاد بین مردم، تبعیت از رهبران ملی و اسلامی را از دلایل اصلی نهضت ملی نفت تلقی می‌کند و در مقابل شکست اتحاد بین رهبران نهضت، فریب مردم توسط مزدوران داخلی و خارجی و در نهایت انحراف از اهداف اصلی را از دلایل شکست نهضت ملی بر می‌شمارد. در صورتی که پژوهش حاضر به نقش و مقایسه تمامی عوامل ساختار ـ کارگزار نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی پرداخته است.

۳- صابری، شیخ نوری (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «بازار و نهضت ملی شدن صنعت نفت» بر این امر تأکید دارد که بازار نقشی سیاسی و اقتصادی در ملی شدن

صنعت نفت و نخست وزیری مصدق دارد و همچنین همسویی و مشارکت عمومی بازاریان حول محور «حاکمیت ملی» و «استقلال» از اهداف اصلی نهضت قرار داشت و تحقق حاکمیت ایران بر منابع و منافع ملی خود، برداشت بازاران نسبت به ملی شدن صنعت نفت در بعد سیاسی و اقتصادی تلقی می‌شد. در صورتی که در پژوهش حاضر بازار به عنوان یکی از عوامل کارگزاری مهم در پیروزی نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود.

٤- حشمت‌زاده، باقر (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با عنوان «علل و عوامل انقلاب اسلامی» مجموعه عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی را بررسی کرده و در کنار شرایط بین‌المللی و خارجی مانند حقوق بشر کارتر به عوامل داخلی مانند افزایش درآمد نفت و بهم‌ریختگی اقتصادی، وابستگی شاه به سیاست ابرقدرت‌ها، رواج فساد، ظلم و دیکتاتوری اشاره کرده است و در نهایت بیان می‌دارد مهم‌ترین علت برای ایجاد انقلاب فکر و اراده انسان تلقی می‌کند. در صورتی که پژوهش حاضر در کنار عوامل ساختاری اقتصادی، سیاسی، فرهنگی به عوامل کارگزاری انقلاب اسلامی و نهضت ملی نفت نیز می‌پردازد.

۵- رهدار، احمد (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «روحانیت و ملی شدن صنعت نفت» به نقش مؤثر روحانیت در نهضت ملی نفت را تبیین می‌کند و بیان می‌دارد تا زمانی که روحانیت در کنار گروهای ملی‌گرا حضور داشتند و از آن‌ها حمایت می‌کردند، نهضت به موفقیت‌های زیادی از جمله ملی‌شدن صنعت نفت دست یافت اما به محض کنارگیری روحانیت، ملی‌گراها هم عقب‌نشینی کردند و از ملی کردن صنعت نفت دست کشیدند. فرق اثر مذکور با پژوهش حاضر در این است که این اثر تنها به نقش یکی از مهمترین علل کارگزاری نهضت ملی نفت پرداخته است در صورتی که پژوهش حاضر به نقش تمامی علل کارگزاری و ساختاری در نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی پرداخته است.

٦- شیبانی‌فر (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش نخبگان در پیروزی انقلاب اسلامی» یکی از علل مهم پیروزی انقلاب اسلامی را نقش مؤثر نخبگان ارزیابی می‌کند و بیان می‌دارد پس از رهبری امام خمینی (ﷺ)، بیشترین تأثیر در تحولات انقلابی ایران در دهه چهل و پنجاه، از سوی تلاش‌های بی‌وقفه چهره‌های فرهنگی و سیاسی بوده است.

۷- کارگر جهرمی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل روابط کاشانی و نواب صفوی در پیروزی و نهضت ملی نفت» به این نکته اشاره دارد که نهضت ملی نفت ایران از مهمترین رویدادهای تاریخ ایران به شمار می‌آید که در پیروزی و شکست این نهضت عوامل مؤثری دخیل بوده‌اند که در این میان نقش عناصر مذهبی مانند نواب صفوی به عنوان رهبر جمعیت فدائیان اسلام و آیت‌الله کاشان نقشی بسیار بی‌بدیل و مهمی بوده است.

۸- میلانی (۱۳۸۱)، در کتاب خود با عنوان «شکل‌گیری انقلاب اسلامی» به بازبینی و تحلیل شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مانند پدید آمدن نفت، گسترش صنایع، پیدایش طبقه متوسط، بازار، کارگران و نخبگان جدید می‌پردازد که در حکم کاتالیزور انقلاب زمینه‌های ظهور آن را فراهم می‌کند.

۹- حاجی بابایی، نزهت (۱۳۸۰)، در مقاله‌ای با عنوان «مروری تحلیلی بر زمینه‌ها و عوامل انقلاب اسلامی» به این نکته اشاره دارد که برجستگی انقلاب ایران این بود که در عصر سکولاریسم، در چارچوب دین لحظه به لحظه ادامه یافت و حوزه گسترده و سرنوشت‌ساز مردم، رهبری بی‌بدیل امام (ﷺ) و انگزش اسلام ناب از مهمترین علل وقوع انقلاب اسلامی است.

۱۰- روحی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش مذهب در انقلاب اسلامی ایران» به بیان مشخصه‌هایی می‌پردازد که انقلاب ایران را از سایر انقلاب‌های اسلامی متمایز می‌کند به صورتی که ایدئولوژی و نرم‌افزار شکل‌گیری انقلاب در ایران مذهب بوده هرچند انقلابیون به سایر جنبه‌های زندگی بشر، همچون رفاه و توسعه اقتصادی، مشارکت سیاسی و استقلال خود نیز توجه داشتند اما همه موارد در طرحی کلی‌تر، یعنی اسلام‌خواهی خلاصه می‌شد.

۱. مبانی نظری

مبنای نظری این مقاله نظریه ساختاریابی آنتونی گیدنز است. در یک تقسیم‌بندی کلی سطوح تحلیل را در جامعه‌شناسی، به دو سطح تحلیل خرد و کلان تقسیم می‌کنند. در سطح خرد، واحد تحلیل عاملیت‌های انسانی و در سطح کلان، واحد تحلیل ساختارهای

اجتماعی است. در جامعه‌شناسی متأخر یک سطح تحلیل تلفیقی هم به دو سطح تحلیلِ گفته شده اضافه شده است که در کار جامعه‌شناسانی همچون گیدنز، بوردیو و هابرماس دیده می‌شود.

طرفدارن سطح تحلیل خرد عقیده دارند که این عاملان انسانی هستند که پدیده‌های اجتماعی را می‌سازند و دیدگاه‌ها، عقاید، آرا، معانی و تفاسیری که آن‌ها در ذهن دارند عامل کنش‌هایی است که انجام می‌دهند. لذا برای پی بردن به دلایل کنش‌های انسانی باید به هرمنوتیک و تفسیر و تفهیم روی آورد. آن‌ها به هدفمندی، ارادی بودن و نیت‌مندی کنش‌های انسانی معتقدند.

در مقابل، طرفداران سطح تحلیل کلان در تحلیل‌هایشان به عاملیت انسانی توجهی ندارند و معتقدند علل پدیده‌های اجتماعی را باید در ساختارهای کلان اجتماعی جستجو کرد. کنش‌های اجتماعی درون ساختارهای از پیش تعیین شده‌ای انجام می‌شوند و محدود به آن‌ها هستند. ساختارهای اجتماعی کنش‌های انسانی را محدود به الزامات خویش می‌سازند.

اهمیت نظریه گیدنز در این است که برای غلبه بر این دوگانگی، پیشنهاد می‌کند که عاملیت و ساختار، صرفاً وجوه مختلف کلیه اعمال اجتماعی در نظر گرفته شوند و معتقد است که جدا کردن این دو، یک تمییز تحلیلی است و نه واقعی در این چشم‌انداز، ساختارهای اجتماعی، هم‌زمان هم اجبارکننده هستند و هم نتیجه کنش فرد. به گفته گیدنز، ساخت در عین اینکه «وادارکننده» است، «تواناساز» هم هست. ساخت از یک سو فرد را محدود می‌کند و از طرف دیگر به او امکان کنش می‌دهد.

از نظر گیدنز عاملیت یعنی چیزهایی که عامل‌ها عملاً انجام می‌دهند. عاملیت مربوط به رویدادهایی است که فرد عامل آن است. رویدادی که اگر فرد دخالت نمی‌کرد روی نمی‌داد (Giddens, 1984:9). به نظر گیدنز عامل‌ها دارای توانایی و قدرت تأثیرگذاری بر دنیای اجتماعی‌اند. کنشگر محدودیت دارد ولی این بدان معنا نیست که چاره‌ای ندارد و تأثیرگذار نیست.

ساختار هم قواعد و منابعی است که وجود عمل‌های اجتماعی مشابه قابل تشخیص در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت را امکانپذیر می‌کند و بدان‌ها شکل نظام‌مند می‌دهد

(Giddens, 1984:17). اما ساختار فقط در کنش‌های عاملان انسانی و از طریق آن‌ها موجودیت می‌یابد. در واقع عاملیت و ساختار دو روی یک سکه هستند و نمی‌توان آن‌ها را جدا از هم تحلیل کرد. ساختارها، کنش‌های عاملان انسانی را سازمان می‌دهد، اما در عین حال خود نیز از طریق کنش‌ها تثبیت و بازتولید می‌شوند (Giddens, 1989: 256) البته گیدنز منکر آن نیست که ساختار می‌تواند محدودکننده کنش‌ها باشد، اما تصور می‌کند جامعه‌شناسان در اهمیت این محدودیت اغراق می‌کنند. وانگهی آن‌ها از تأکید بر اینکه ساختار همیشه هم محدود می‌کند و هم توانمند می‌سازد کوتاهی کرده‌اند. ساختارها غالباً به عامل‌های انسانی امکان انجام کارهایی را می‌دهند که در صورت فقدان ساختارها قادر به انجام آن نبودند (Giddens, 1984: 163). در این مقاله بر اساس مدل نظری گیدنز به مطالعه زمینه‌های ساختاری و عاملیتی (کارگزاری) دو رویداد نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی پرداخته شده است. در طول مطالعه همواره این چارچوب نظری مدّنظری بوده است که رویدادهای اجتماعی نهضت نفت و انقلاب اسلامی هرگز رخ نمی‌دادند مگر آنکه زمینه‌های ساختاری، کنش عاملان انسانی این دو رویداد را هدایت کرده و همزمان کنش این عاملان انسانی، بر ساختارهای اجتماعی تأثیر گذارده و آن‌ها را متحول ساخته و بازتولید نموده است. فرض نظری این مقاله آن است که بدون مهیا بودن زمینه‌های ساختاری و کارگزاری آن‌هم به‌طور همزمان این دو رویداد تاریخ‌ساز اتفاق نمی‌افتادند. در واقع ساختارهای اجتماعی باعث کنش‌های انقلابی عاملان انسانی شده و به‌طور همزمان این کنش‌ها بر ساختارهای اجتماعی اثر گذاشته و آن‌ها را متحول ساخته است. در ادامه بحث زمینه‌های ساختاری و کارگزاری این دو رویداد مهم اجتماعی بررسی می‌شوند.

۲. زمینه‌های ساختاری در نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی

۲-۱. زمینه‌های ساختاری نهضت ملی نفت

۲-۱-۱. زمینه‌های اقتصادی نهضت ملی نفت

ملی شدن صنعت نفت ایران جنبشی بود که از مجلس شروع شد و واکنشی بود به امتیازاتی که بیگانگان تا آن زمان از دولت‌های ایران گرفته بودند از جمله امتیاز رویتر، قرارداد دارسی، قرارداد ۱۳۱۲ و قرارداد الحاقی گس ـ گلشاییان (فدایی، ۲۰۱۲). از

زمان کشف و استخراج نفت در ایران اهمیت نفت برای انگلیس و دیگر قدرت‌های جهانی و نیز قدرت‌سالاران ایرانی افزایش یافت (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). نگاهی گذرا به این امتیازات و قراردادهایی که طی آن نفت ایران توسط انگلستان به تاراج می‌رفت، این موضوع را تأیید می‌کند.

قرارداد دارسی در سال ۱۲۸۰ش اجازه تجارت و نقل و فروش گاز طبیعی، نفت، قیر و موم طبیعی در ایران برای مدت شصت سال را به انگلستان اعطا کرد و طرف ایرانی معاف بودن از مالیات را در طول مدت امتیاز را تضمین کرد و در مقابل، طرف مقابل متعهد گردید ١٦ درصد از عواید بهره‌برداری از معادن را به عنوان حق‌الزحمه به دولت ایران بپردازد (مدنی، ١٣٦١: ٤٨-٤٧).

براساس قرارداد ۱۳۱۲ به مدت شصت سال نفت ایران در اختیار انگلیس قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که از قرارداد شصت ساله دارسی ۳۲ سال گذشته بود؛ حال با قرارداد جدید شصت سال دیگر نیز ادامه می‌یافت (کدی، ١٣٦٩: ١٦٥). همچنین شرکت انگلیسی از پرداخت مالیات به دولت ایرن معاف، ولی سهم حق‌الامتیاز ایران مشمول مقررات مالیات بر درآمد دولت انگلستان بود. در سال ۱۳۲۷ دولت ایران ۹ میلیون لیره انگلیس حق‌الامتیاز دارد (ذوقی، ۱۳۷۲: ٢٤٩-٢٤٨).

قرارداد الحاقی قرارداد دیگری است که قرار بود بین دولت ایران و انگلیس منعقد شود. دکتر مصدق در ۱۱ آذر ۱۳۲۳ طی طرحی با نام «موازنه منفی»، مذاکره برای واگذاری امتیاز نفت را ممنوع کرد. انگلستان نیز با فرستادن نماینده خود ـ گس ـ به ایران، قرارداد الحاقی را منعقد کرد. طی این قرارداد حق‌الامتیاز ایران از ٤ شیلینگ در هر تن در قرارداد ۱۳۱۲ به ٦ شیلینگ افزایش یافت. اما این افزایش کاذب بود و در عمل پرداخت ٦ شیلینگ، همان ٤ شیلینگ سابق بود تا جایی که طی سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۲٤ سود خالص شرکت انگلیسی پس از کسر مالیات بالغ بر ۲۵۰ میلیون پوند بود که تنها ۹۰ میلیون پوند به ایران دادند (کدی، ١٣٦٩: ٢٣١-٢٣١).

بنابراین در اجرای قرارداد نفت، نسبت به ایران اجحاف روا می‌شد؛ حق امتیاز مبلغی ثابت بود اما سود شرکت روز به روز بالا می‌رفت. سال‌های تسلط انگلیس بر نفت ایران مقارن بود با محروم شدن جامعه ایران از بخش عمده امکاناتی که درآمد

عادلانه نفت می‌توانست در اختیارش قرار دهد.

۲-۱-۲. زمینه‌های اجتماعی نهضت ملی نفت

دو طبقه متوسط سنتی و مدرن بیش از سایر طبقات اجتماعی در نهضت ملی نفت نقش داشتند. طبقه متوسط سنتی مجموعه‌ای از روحانیون، بازاریان، پیشه‌وران و کاسبان خرده بورژوازی بودند که در تحولات سیاسی ـ اجتماعی معاصر از جمله نهضت ملی کردن صنعت نفت نقش مهمی ایفا کردند. هدف مشترک این طبقه مبارزه با قوانین غیردینی در جریان تحولات مزبور بود. به‌طوری‌که در طی تصویب قانون ملی شدن نفت، روحانیت با ارائه اعلامیه‌هایی علیه مداخلات بیگانگان موضع گرفتند و تلاش کردند مردم را آگاه کرده و به تظاهرات در جهت ملی شدن نفت شکل دهند، و بازاریان با بستن بازار و کمک‌های اقتصادی به حمایت از دولت مصدق پرداختند. بنابراین در طی این جنبش طبقه سنتی در کنار ملی‌گرایان، از اهداف و آرمان‌های استقلال‌طلبانه و ملی‌گرایانه جبهه حمایت کرد (شیخ نوری، صابری، ۱۳۹۲: ٦٦-٦٤).

یکی دیگر از عوامل مهم اجتماعی در نهضت ملی نفت پیدایش طبقه متوسط جدید و تحصیل‌کرده بود (افروغ، ۱۳۷۰: ۱۰۸). رشد نظام اداری، نیاز روزافزون به تکنیسین‌ها و مدیران در همه سطوح، و گسترش سوادآموزی به سبک غربی، باعث شکل‌گیری این طبقه جدید شد (شیخ نوری، صابری، ۱۳۹۲: ۵۹).

در واقع طبقه متوسط جدید در ایران شامل وکلا، قضات، پزشکان، مهندسان و استادان دانشگاه است که در رهبری نهضت‌های سیاسی ـ اجتماعی نقشی فزاینده داشتند (شیخ نوری، صابری، ۱۳۹۲: ٦۰). در نهایت این نیروها به خاطر اهداف مشترکی مانند جلوگیری از استبداد و استعمار متفقاً وارد جبهه ملی شدند و مبارزه مشترک خود را بر علیه مجموعه دربار، ارتش، شرکت نفت به مالکیت انگلیس آغاز کردند.

۲-۱-۳. زمینه‌های سیاسی نهضت ملی نفت

در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ سوءقصدی به جان شاه صورت پذیرفت که فرصت مناسبی در اختیار شاه قرار داد تا قطب استبدادی ـ استعماری خود را تقویت کند؛ چرا که تا

قبل از آن آزادی‌های سیاسی داده شده باعث شده بود که گروه‌های سیاسی زیادی خود را محق در دخالت در کلیه امور مملکت بدانند. ازاین‌رو شاه از این فضای ترور استفاده و به اقدامات زیر دست زد:

اول، غیرقانونی اعلام کردن حزب توده بود، تلاش برای ایجاد موازنه سیاسی بیش از هر چیز در غیرقانونی اعلام کردن حزب توده و دستگیری و محاکمه رهبران و نیز تغییر قانون اساسی متجلی شد. لذا فردای ۱۵ بهمن جلسه فوق‌العاده مجلس تشکیل شد و دولت حزب توده را غیرقانونی اعلام و آن را منحل کرد (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۹۶).

دوم، تشکیل مجلس مؤسسان بود. پس از ترور نافرجام، فوراً مجلس مؤسسان تشکیل شد تا به نفع موقعیت شاه در قانون اساسی تجدید نظر کند (ازغندی، ۱۳۸٤: ۲۳۲). بر اساس این تجدیدنظر شاه حق انحلال مجلسین را به‌دست آورد.

سوم، تشکیل مجلس سنا بود. با تشکیل مجلس سنا، شورای ملی به‌تنهایی تصمیم‌گیرنده نبود؛ نظر مجلس سنا فقط جنبه استصوابی داشت. انگیزه شاه از تشکیل مجلس سنا، سلب قدرت از مجلس شورای ملی بود (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۹۷).

چهارم تبعید آیت‌الله کاشانی به لبنان بود. پس از ترور نافرجام شاه، آیت‌الله کاشانی به ظن دست داشتن در ترور شاه، دستگیر و تبعید شد. بنابراین ترور شاه در حقیقت یک کودتا بود که در هر صورت به نفع قطب استبدادی ـ استعماری تمام می‌شد. نتیجه این اقدامات آنکه شاه با استفاده از فضای پس از ترور تلاش کرد فضای سیاسی را به نفع خود ببندد و به سوی اقتدارگرایی گام برداشت. بنابراین قبل از شروع روند ملی شدن نفت در سال ۱۳۲۸، محمدرضا شاه فضای سیاسی جامعه را به سوی اقتدارگرایی به پیش می‌برد و تلاش می‌کرد جامعه‌مدنی را تضعیف نماید.

۲-۱-٤. زمینه‌های فرهنگی نهضت ملی نفت

در جریان ملی شدن نفت سه خرده‌فرهنگ عمده نقش مهمی ایفا کردند که شامل خرده فرهنگ ناسیونال ـ لیبرالیسم (ملی‌گرایی)، خرده‌فرهنگ کمونیستی و خرده‌فرهنگ مذهبی است.

خرده‌فرهنگ ناسیونال لیبرالیستی (ملی‌گرایی) اندیشه غالب نهضت ملی نفت است.

ضد امپریالیست بودن، مشروطه‌خواهی، دموکرات بودن، میهن‌پرستی و وطن‌دوستی از ویژگی‌های این خرده‌فرهنگ است. این ایدئولوژی خواهان آزادی و استقلال کشور بود (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۷۵).

از نظر این جبهه، شرکت نفت انگلیس و ایران، نمونه مجسم امپریالیسم استثمارگر بریتانیا و منبع اساسی بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی بود. جبهه ملی با توجه به خیزش جنبش‌های ملی‌گرا در جهان، «مسئله نفت» را موضوعی می‌دانست که می‌توانست مردم را حول محور آن متحد سازد و اعتراض آنان را نسبت به «نظمی کهن» که از سوی شرکت نفت انگلیس و ایران به وجود آمده بود، برانگیزاند و مبانی سلطه استعماری طولانی آن را با برگرداندن حاکمیت ایران فرو بریزاند (مقصودی، ۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۵۲).

ایدئولوژی دیگر در دوران نهضت ملی نفت، خرده‌فرهنگ مارکسیسم ـ لنینیسم بود. هدف این ایدئولوژی، تبدیل دولت به یک جمهوری سوسیالیستی از طریق رهبری انقلابی پیشرو بود که به عنوان بخشی از طبقه کارگر در نتیجه دیالکتیک پیکار طبقاتی به آگاهی طبقاتی می‌رسد. در نهضت ملی نفت، حزب توده تبلور اندیشه کمونیستی بود. مطابق تحلیل‌های این ایدئولوژی مصدق نماد بورژوازی محسوب می‌شد و لذا دولت او همکاسه امپریالیست‌ها شناخته می‌شد و اتحاد شوروی نماد جنبش سوسیالیستی جهانی بود که می‌بایست از دستورالعمل‌های آن تبعیت کرد.

از دیگر ایدئولوژی‌های موجود در دوره نهضت ملی نفت، فرهنگ مذهبی بود که در طیف طرفداران آیت‌الله کاشانی و نواب صفوی دیده می‌شود. در واقع گرایش عمده مذهبی در آن زمان که از سوی مرجع منحصر به‌فرد عالم تشیع، آیت‌الله العظمی بروجردی، هدایت می‌شد، عدم دخالت روحانیون در سیاست بود. ولی در کنار این گرایش اصلی، خرده‌فرهنگی مذهبی تحت هدایت آیت‌الله کاشانی شکل گرفته بود و دخالت روحانیت در سیاست را مجاز می‌پنداشت. این خط فکری به دنبال مبارزه با استبداد و ظلم ستم‌شاهی به شکل مبارزه برای ملی کردن نفت درآمد.

۲-۲. زمینه‌های ساختاری انقلاب اسلامی ایران

۲-۲-۱. زمینه‌های اقتصادی انقلاب اسلامی ایران

یکی از زمینه‌های اقتصادی انقلاب اسلامی رانتی شدن دولت است به‌طوری‌که در این زمان ٤٢ درصد از درآمدهای دولت از طریق نفت تأمین می‌شد و حکومت ایران به یک «دولت رانتیه» غرق در دلارهای نفتی و وابسته به سرمایه‌داری جهانی تبدیل شد. نهایتاً دولتی که مستقل از مردم بود با درآمدهای نفتی به آن‌ها حق‌السکوت می‌داد و هرگونه مخالفتی از سوی آن‌ها را سرکوب می‌کرد. در نتیجه شاه در اتحاد با هیچ طبقه اجتماعی مستقلی حکومت نمی‌کرد و همین امر زمینه‌های نارضایتی عمومی و همچنین اقتدارگرایی دولت را فراهم کرده بود (اسکاچپول، ۱۳۸۲: ۱۲۵-۱۲٤).

از دیگر زمینه‌های اقتصادی انقلاب اسلامی اصلاحات ارضی شاه بود که با مخالفت‌های فروانی مواجه شد. یکی از اهداف شاه در روند اصلاحات ارضی تمایل او به تضعیف قدرت زمین‌داران سنتی از یک طرف و وابسته کردن طبقه دهقان به دولت از طریق جذب آن‌ها در تعاونی‌ها از طرف دیگر بود (فورن، ۱۳۸۲: ۱۳۰). شاه در اجرای برنامه اصلاحات ارضی موفق نبود و این طرح با مخالفت‌هایی روبرو گردید:

اول آنکه براساس این اصلاحات ۹۰ درصد کشاورزان اجازه کار بر روی قطعه زمینی به‌دست آوردند درحالی‌که نیمی از دهقانان بدون زمین هیچ چیز به‌دست نیاوردند. آن دسته که زمین به‌دست آوردند به ناگاه متوجه شدند که زمین اعطایی آن‌قدر کوچک است که نمی‌توانند خانواده‌هایشان را تأمین کنند.

دوم، نیمی از کل زمین‌های کشاورزی در کنترل زمین‌داران بزرگ باقی ماند در نتیجه شاه فقط حمایت بسیاری از زمین‌داران ثروتمند را، به امید کسب حمایت کشاورزان، از دست داد.

سوم، درآمد اندک، سطح بهداشت پایین و تحصیلات محدود، مشکل عمده کسانی بود که سعی کردند از طریق کشاورزی در این زمین‌ها امرار معاش می‌کردند؛ درنتیجه از روستاها به شهرها به امید کسب امتیازات شهری مهاجرت کردند و به هزینه‌های رو به رشد دولت وابسته شدند (اسکاچپول، ۱۳۸۲: ۱۲۵-۱۲٤).

چهارم، حمایت نامتناسب دولت و فعالیت‌های ناکافی خارجی در زمین‌های

کشاورزی روند رشد در بخش نوپای سرمایه‌گذاری در کشاورزی را تا حدود سه درصد کاهش داد، درحالی‌که واردات مواد غذایی در سال ۱۹۷۷ تا سقف ۲/٦ میلیون دلار افزایش یافت (فورن، ۱۳۸۲: ۱۳۰).

مجموعه این عوامل طیفی از نارضایتی‌ها و مخالفت‌ها را به جود آورد. که در این میان مخالفت‌های مذهبی گسترده‌تر و ریشه‌دارتر بود؛ اول اینکه، رهبران مذهبی محافظه‌کار هم به اصلاحات ارضی شاه و هم با طرفداری ساختگی شاه از «آزادی زنان» مخالف بودند، دوم، رهبران مذهبی محافظه‌کار و روشن‌بین، هر دو، نگران آینده موقوفات بودند، که یکی از ارکان مهم استقلال مالی جامعه مذهبی محسوب می‌شد؛ سوم همه آن‌ها پیدایش استبدادی را حس می‌کردند که بر خلاف استبداد سنتی ایران قصد داشت خودمختاری رهبری شیعه را نابود کند؛ ازاین‌رو قیام خرداد ۱۳٤۲ از حمایت همه نیروهای ضداستبدادی مراجع شیعه، بازاریان و مردم عادی شهرها برخوردارشد (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۳۵۲).

۲-۲-۲. زمینه‌های اجتماعی انقلاب اسلامی ایران

جامعه ایران طی سال‌های ۱۳٤۰ به بعد دگرگونی‌های سریعی را به خود دید. این دگرگونی‌ها جامعه شهری را شدیداً تحت تأثیر خود قرار داد (دلاوری، ۱۳۷۵: ۸۱). در طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۲ درصد نیروی شاغل در بخش خدمات و صنعت از ۲٤/۳ درصد به ۳۱/۸ درصد رسید؛ و درصد با سوادان کشور از ۳۷ درصد به ٤۷/۵ درصد رسید. در نتیجه در عصر پهلوی طبقات جدیدی در شهرها به وجود آمدند که با رشد آگاهی سیاسی خواستار مشارکت سیاسی شدند، اما به دلیل تمایل رژیم سلطنتی به تمرکز قدرت، درخواست مشارکت این اقشار سرکوب شد و این عامل به ایجاد شرایط انقلابی کمک کرد. همچنین با تغییر دیدگاه‌های بین‌المللی نسبت به رژیم شاه، گروه‌های سیاسی مخالف فرصت پیدا کردند که با نوشتن نامه‌های سرگشاده به‌طور علنی از رژیم شاه و عملکردهای او انتقاد کنند. همزمان با آن، انتشار مقاله روزنامه اطلاعات و حوادث قم و اربعین‌های زنجیره‌ای ابتکار عمل را از دست عناصر طبقه متوسط جدید خارج ساخته و دست عناصر طبقه متوسط سنتی به ویژه روحانیت سپرد. به این ترتیب

با افزایش مشارکت نظامی، مشروعیت نظام سلطنتی در نزد اکثریت افراد جامعه از دست رفت. با ایجاد فضای باز سیاسی گروه‌هایی که به زور از صحنه سیاست کنار زده شده بودند، مجدداً وارد صحنه سیاست شدند و زمینه برای ظهور و بروز شرایط انقلابی را فراهم کردند (معمار، ۱۳۸۵: ۳٦۸-۳٦۵).

۲-۲-۳. زمینه‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران

مهم‌ترین زمینه‌های سیاسی انقلاب ایران دیکتاتوری شاه در بین سال‌های ۱۳۵۷-۱۳٤۲ است. شالوده‌های این نهاد سرکوبگر عبارت بودند از درآمدهای نفت، سرکوب، کنترل اجتماعی، دیوان‌سالاری و نظام حزبی. درآمدهای نفت موقعیت شاه را در رأس حکومت استحکام می‌بخشید.

تعداد پرسنل نیروهای مسلح از ۱۹۱ هزار نفر در سال ۱۳۵۰ به ٤۱۳ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ (پنجمین ارتش مسلح بزرگ جهان) رسید، این ارتش در داخل برای کنترل بحران‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گرفت. ساواک مطبوعات را سانسور و نیروهای دولتی را کنترل می‌کرد، در عین حال اتحادیه‌های دولتی را زیر نظر داشت و مخالفین سیاسی را مرعوب می‌ساخت. بر اساس یک گزارش سازمان عفو بین‌المللی، بین ۲۵ هزار تا ۱۰۰ هزار زندان سیاسی در سال ۱۳۵۳ در ایران وجود داشت. همین گزارش حاکی از آن بود که هیچ کشوری در دنیا سابقه‌ای بدتر از ایران در مورد حقوق بشر نداشت. نهادهای ثروت و قدرت مطلقاً تحت کنترل دولت قرار داشت؛ ۳۰٤ هزار نفر کارمندان از ارشد دولت و پارلمان همه زیر نظر شاه قرار دارند. نمایندگان پارلمان را اعضای دو حزب طرفدار شاه تشکیل می‌دادند که به عنوان حزب «بله قربان» و حزب «چشم قربان» معروف بودند (فورن، ۱۳۸۲: ۱۳٤).

۲-۲-٤. زمینه‌های فرهنگی انقلاب اسلامی ایران

در انقلاب اسلامی، علی‌رغم وجود افکار و خط‌مشی‌های متعدد از قبیل ناسیونالیسم و مارکسیسم ـ لنینیسم، «اسلام» الگوی اصلی مبارزه و انقلاب قرار گرفت؛ چرا که بافت فکری ـ فرهنگی جامعه ایران یک بافت مذهبی مبتنی بر اسلام بود که ساختارهای مورد

نیاز را ـ مساجد، انجمن‌ها و هیئت‌های مذهبی ـ در خود به صورت نهادین درآورده بود؛ به‌طوری‌که عواملی مانند تبلیغ ناسیونالیسم افراطی توسط رژیم از طریق برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، تخریب عقاید و تضعیف ایمان مردم از طریق حمایت از بهاییت و معرفی روحانیون به عنوان عناصر «مرتجع»، الغای قوانین اسلامی در نظام قضایی و گسترش فساد و فحشا، خشم و هیجان عناصر مذهبی و روحانیون را برانگیخت (ابوطالبی، ۱۳۸٤: ۱۵). بروز این نارضایتی‌ها ناشی از اعتقاد راسخ مردم ایران به تشیع و نظام اعتقادی آن و احترام خاصی بود که آن‌ها برای مذهب و روحانیت قائل بودند (صمیمی، ۱۳۷۰: ۵۰).

۳. نقش کارگزاران انقلابی در انقلاب اسلامی و نهضت ملی نفت

۳-۱. نقش کارگزاران انقلابی در نهضت ملی نفت

۳-۱-۱. نقش ملی‌گراها در نهضت ملی نفت

ضعف‌های جدی محمدرضاشاه در اداره کشور، فرصتی مناسب برای دکتر مصدق و یارانش فراهم آورد تا رهبری طیف گسترده‌ای از مردم را برای ملی کردن نفت به‌دست گیرند. در اولین اقدام مصدق و نوزده نفر دیگر از یارانش، در اعتراض به آزاد نبودن انتخابات در دربار شاه تحصن کردند. این تحصن و اقدامات جدی این گروه به حدی در حکومت شاه نگرانی ایجاد کرد که سریعاً به درخواست آنان جامه عمل پوشانده و قول دادند به بی‌قانونی در انتخابات پایان دهند. پس از این اقدام، اعضای کمیته مذکور تصمیم به ایجاد تشکل و ائتلاف وسیعی به نام «جبهه ملی» گرفتند (آبراهامیان، ۱۳۸٤: ۳۱۱). جبهه ملی در منزل دکتر مصدق شکل گرفت و از سیاستمدارانی تشکیل شد که هدفشان حفظ حقوق ایران در صنعت نفت بودند (گلشنی و جدیدی، ۲۰۱٤). این جبهه در اولین بیانیه‌اش بر درخواست‌های توسعه سیاسی، برگزاری انتخابات عادلانه، لغو حکومت نظامی و آزادی مطبوعات تأکید کرد. با گسترده شدن جبهه و تدوین اساسنامه، احزاب دیگری از جمله حزب ایران، حزب زحمتکشان، حزب ملت ایران و جامعه مجاهدین اسلام با پایگاه‌ها و انگیزه‌های متفاوت به آن پیوستند (شیخ نوری، صابری، ۱۳۹۲: ٥٤).

زمینه اصلی شعار این گروه‌ها، برقراری عدالت اجتماعی، آزادی و مبارزه با نفوذ

خارجی بود و نقطه اشتراکشان، کوتاه کردن دست سلطه خارجی از منابع نفتی و منافع ملی بود. در واقع از آن جایی که در این زمان ابزار و شیوه اجرای قوانین و مقررات متزلزل شده بود، زمینه گردهمایی برای تشکیل جبهه ملی و نهایتاً ملی شدن نفت فراهم شد.

۳-۱-۲. نقش مذهبی‌ها در نهضت ملی نفت

۳-۱-۲-۱. آیت‌الله کاشانی و نهضت ملی نفت

آیت‌الله کاشانی نقش بسیج مردم و کشاندن آن‌ها به صحنه مبارزه را به خوبی ایفا کرد و با فشارهای سیاسی‌ای که به پشتوانه قوی مردمی خود داشت، باعث شد تا سایر مخالفان ملی شدن نفت نتوانند کاری از پیش برند (رهدار، ۱۳۸۸: ٥٤-٥٣). نقش آیت‌الله‌کاشانی در بسیج توده‌های مردم در قالب سه دوره مطرح می‌شود:

۱- دوره قبل از نخست وزیری مصدق (بهمن ۱۳۲۷ تا اردیبهشت ۱۳۳۰) که عمده‌ترین فعالیت‌های او شامل موارد زیر است:

اول، انتشار اعلامیه‌هایی در جهت لغو امتیاز نفت و تلاش برای استیفای کامل حقوق ملت ایران (ابوطالبی، ۱۳۹۱: ۷۱)؛

دوم، حمایت ایشان از فدائیان اسلام در جریان ترور هژیر؛

سوم، اعلامیه ۱۱ اسفند ۱۳۲۹ و ترغیب به شرکت در تظاهرات برپاشده توسط فدائیان اسلام (حسینیان، ۱۳۸۵: ۹۲-۱۰۰)؛

چهارم، حمایت از فدائیان در ترور رزم آرا (مدنی، ۱۳۸۵: ۲۳).

۲- دوره اول تشکیل دولت ملی (اردیبهشت ۱۳۳۰ تا تیر ۱۳۳۱) که شامل موارد زیر است:

اول، حمایت از دولت نوپای مصدق در برابر کارشکنی‌های داخلی و خارجی؛

دوم، تهدید به حکم جهاد در برابر تهدید حمله نظامی انگلیس؛

سوم، اعلامیه شدیداللحن و اعلام جهاد آیت‌الله کاشانی در صورت عدم برکناری قوام؛

چهارم، نقش بارز آیت‌الله کاشانی در ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ و بازگشت مصدق (خلیلیان، ۱۳۷۲: ٦٢-٦).

۳- دوره دوم تشکیل دولت ملی (تیر۱۳۳۱ تا مرداد ۱۳۳۲) که شامل موارد زیر است:

اول، مخالفت آیت‌الله کاشانی با دکتر مصدق در زمینه گرفتن اختیارات ویژه؛

دوم، مخالفت آیت‌الله کاشانی با دکتر مصدق در زمینه اجرای رفراندوم به منظور منحل کردن مجلس هفدهم؛

سوم، مخالفت آیت‌الله کاشانی با دکتر مصدق در تمدید لایحه اختیارات (گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران و اروپا، ۱۳۵۸: ۳۶-۲۹.)

در نهضت ملی نفت تا زمانی که دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی در کنار هم بودند موفقیت‌های چشمگیری کسب کردند تا جایی که این همکاری منجر به ملی شدن صنعت نفت و خلع ید انگلستان شد. اوج این موفقیت در پیروزی قیام سی تیر دیده می‌شود. اما از این مقطع به بعد به دلیل ایجاد شکاف در سطح رهبری، مسائلی ایجاد می‌شود که به شکست نهضت ملی نفت می‌انجامد.

۳-۱-۲-۲. فدائیان اسلام و ملی شدن صنعت نفت

رهبر این گروه مذهبی که برای ایجاد دولت اسلامی در ایران تلاش می‌کرد؛ سید مجتبی میرلوحی بود که بعدها به نواب صفوی معروف گردید. سلاح عمده فدائیان، ترور بود. فدائیان تا ابتدای نخست وزیری دکتر مصدق از نهضت ملی و سیاست ملی شدن نفت جانبداری کردند (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۹۸) که حمایتشان را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ترور هژیر به عنوان عامل اصلی تقلب در انتخابات توسط سید حسین امامی.
- اعتراض نواب صفوی به تبعید آیت‌الله کاشانی و تحصن یک هیئت هفتاد نفره از فدائیان در منزل آیت‌الله بروجردی.
- ترور رزم‌آرا توسط خلیل طهماسبی از اعضای فدائیان اسلام.

بنابراین فدائیان با ترور کسانی چون هژیر و رزم‌آرا به عنوان اصلی‌ترین مخالف ملی شدن صنعت نفت، روند ملی شدن صنعت نفت را تسریع بخشیدند به‌طوری‌که پس از آن بر خلاف معمول حکومت نظامی اعلام نشد؛ بلکه آزادی بیشتر به تظاهرات و اجتماعات جبهه ملی داده شد. علاوه بر آن زنگ خطری برای نمایندگان وابسته به انگلیس به صدا درآمد که به عنوان سدی مانع ملی شدن نفت بودند (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۰۰-۲۹۸).

۳-۱-۲-۳. بازار و نهضت ملی شدن نفت

بازاریان به عنوان بخشی از نیروهای سیاسی و اجتماعی فعال در جامعه ایران با فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی به حمایت از نهضت ملی نفت پرداختند. بازار در هرکدام از این اقدامات روابط خود را با دولت در راستای تحقق اهداف نهضت یعنی ایده ملی شدن نفت دنبال کرد. بنابراین بازاریان برای استقلال و حاکمیت ملی ایران و تحقق توسعه سیاسی و اقتصادی در جهت در دست گرفتن منافع حاصل از منابع ملی به اشکال سیاسی و اقتصادی نهضت ملی را حمایت کردند:

در عرصه اقتصادی قسمت مهمی از «وجوهاتی» که به دستگاه روحانیت و روحانیونی مثل آیت‌الله کاشانی پرداخت می‌شد از ناحیه بازار بود. بازار در سازماندهی مراسم مذهبی شیعه در مساجد و منازل خصوصی نقش مستقیم و غیرمستقیم داشت (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۷٤-۱۷۳).

بازار از مجموعه اصناف تشکیل می‌شد و کمیته اصناف در بازار در حکم ارگان مرکزی تمام بازار بود؛ کمیته به مجرد تشکیل جبهه ملی به عضویت آن درآمد (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۷٤). همکاری بازار با جبهه ملی و احزاب حامی نهضت ملی در قالب بیانیه‌ها، اعتراضات و تعطیلی بازار اثرگذاری نقش سیاسی بازار را نشان می‌دهد. کسبه بازار به پیروی از آیت‌الله کاشانی، خواستار الغای امتیازات نفت ایران و انگلیس و واگذار کردن کلیه تأسیسات شرکت مزبور به دولت ایران و ملی شدن نفت در تمام ایران شدند (شیخ نوری، صابری، ۱۳۹۱: ۵).

۳-۱-۲-٤. حزب توده در نهضت ملی شدن صنعت نفت

در زمان ملی شدن صنعت نفت، حزب توده که آشکارا به یک حزب کمونیست تمام‌عیار ایرانی بدل شده بود، به‌طور علنی مشی خصمانه در برابر نهضت ملی شدن نفت در پیش گرفت (طبری، ۱۳۸۰: ۲٤۰). دلایل مقابله حزب توده با دولت ملی دکتر مصدق را می‌توان در دو دلیل خلاصه کرد: اول آنکه، حزب توده حزبی مارکسیست لنینیست بود و حمایت ضمنی آمریکا از مصدق در سال اول نخست وزیری او، باعث شده بود که وی را به عنوان عامل امپریالیسم آمریکا تلقی کنند (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۲۱۱).

دوم، ملی شدن نفت از نظر حزب توده به معنای عوض شدن جای بریتانیا با ایالات متحده در حوزه نفت جنوب بود، درحالی‌که برای شوروی در نفت شمال سهمی در نظر گرفته نشده بود (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۷۱-۱٦۹).

اما ذکر این نکته مهم است که از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ حزب توده مشی خود را تغییر داده و به طرفداری مصدق پرداخت. به‌طوری‌که کیانوری درباره حادثه سی‌ام تیر می‌گوید: «...نیروهای حزبی در ۳۰ تیر نقش کوچکی داشتند اما دیر به میدان آمدند چرا که ما برای ۳۰ تیر آمادگی نداشتیم و باور نمی‌کردیم که مصدق این‌قدر طرفدار دارد...» (کریمی، ۱۳۸۵: ۲٤۰).

این طرفداری تا ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ ادامه داشت تا جایی که در جریان ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ کیانوری مدعی شد که با فعالیت ما کودتا عقیم ماند. اما واقعیت آن است که در جریان کودتای ۲۸ مرداد، حزب توده علی‌رغم قدرت سازمانی و نفوذ در ارتش و با وجود مخالفت‌های مکررش با آمریکا و شاه می‌توانست مانع از وقوع کودتا گردد ولی از هرگونه اقدامی در این باره امتناع ورزید (کریمی، ۱۳۸۵: ۲٤۳).

۳-۱-۲-۵. مجلس و نهضت ملی شدن صنعت نفت

مجالس ۱۳ تا ۱۷ از جمله مجالس مهمی به شمار می‌آیند که در فضای باز سیاسی شکل گرفتند و در شکل‌دهی به فضای سیاسی جامعه نقش مهمی را ایفا نمودند. مهم‌ترین نقش‌آفرینی مجلس در طول این سال‌ها ملی شدن نفت است که با تلاش و پیگیری نمایندگان مجلس رخ داده است و مهم‌ترین حرکت مجلس در جهت مقابله با قدرت‌های خارجی بود. سرآغاز این جریان از مجلس چهاردهم بود. در این مجلس طرح واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی ارائه شد که در برابر آن طرح موازنه منفی توسط نمایندگانی چون مصدق مطرح شد. بدین معنی که هیچ دولتی نباید در مورد امتیازهای نفتی مذاکره کند (کدی، ۱۳٦۹: ۲۳۱-۲۳۱).

هنگام خروج نیروهای بیگانه از ایران، شوروی نیروهای خود را از شمال کشور خارج نساخت؛ قوام در مذاکره با نماینده شوروی سادچیکف متعهد شده بود که قرارداد نفت شمال را پیگیری کند، اما این قرارداد در مجلس پانزدهم رد شد. افکار

عمومی ایران معتقد بود که منافع ملی ایران در نفت جنوب تأمین نمی‌شود؛ به همین خاطر مجلس دولت را موظف کرد تا به بررسی ابعاد عملکرد شرکت نفت جنوب بپردازد و طرق احیای حقوق ایران را به مجلس گزارش دهد. در همین دوره میان دولت ایران و انگلیس قرارداد گس ـ گلشائیان به تصویب رسید که سلطه انگلیس بر صنعت نفت را هم‌چنان ابقاء می‌نمود. در اواخر دوره مجلس پانزدهم این قرارداد به مجلس ارائه شد که اکثریت نمایندگان با آن موافق بودند ولی با اتلاف وقت توسط چند تن از نمایندگان اقلیت مجلس نظیر مکی و حائری‌زاده این طرح به تصویب نرسید. مجلس شانزدهم شاید به نوعی مهم‌ترین مجلس در این دوره باشد که مصدق و اعضاء جبهه ملی در آن یک کمیسیون نفت تشکیل دادند که این کمیسیون وظیفه داشت طرق احیای حقوق ایران را بررسی کند. کمیسیون مزبور ضمن رد قرارداد گس گلشائیان، طرح بدیلی ارائه داد که به ملی شدن نفت منجر شد. علی‌رغم مخالفت رزم‌آرا و سلطنت‌طلب‌ها، مجلس در اسفند ۱۳۲۹ طرح ملی شدن نفت را به اتفاق آرا به تصویب رساند و در این بین دولت حسین علاء سقوط کرد و مجلس مصدق را نخست وزیر نمود. با آمدن مصدق و ماجرای خلع ید، صنعت نفت ایران ملی شد (اکبرزاده، ۱۳۸۵: ۱۱۰-۱۰۶).

۳-۲. نقش کارگزارن انقلابی در انقلاب اسلامی ایران

۳-۲-۱. نقش مذهبی‌ها (امام و یارانش) در انقلاب اسلامی ایران

یکی از مهم‌ترین علل وقوع انقلاب‌ها نقش بی‌بدیل رهبری در روند انقلاب است. در انقلاب اسلامی ایران پیوند دینی و تاریخی مردم با روحانیت موجب اعتماد خاص آن‌ها به این قشر و رهبری بلامنازع امام خمینی (ﷺ) در جریان این نهضت شد. شعارهایی مانند، «حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله» حاکی از رهبری مطلق امام خمینی (ﷺ) در طول نهضت است (نصیری، ۱۳۸۷: ۱۰٤).

با تبعید امام به نجف اشرف، ایشان به رهبر بلامنازع مردم تبدیل شدند. مهم‌ترین اقدام امام در نجف، تدریس موضوع ولایت فقیه بود که در نهایت در قالب کتابی تحت عنوان حکومت اسلامی به چاپ رسید. این حرکت امام در انسجام تفکر و اندیشه

سیاسی مبارزان مذهبی تأثیر زیادی گذاشت (جعفریان، ۱۳۸۲: ۱۵٤).

با شتاب گرفتن و شعله‌ور شدن جرقه‌های انقلاب در دی‌ماه ۱۳۵٦، امام نیز با تشخیص موقعیت مناسب تأمل را جایز ندانسته و با درک صحیح از اراده مردم، که با اعتقاد به ارزش‌هایی چون ایثار و شهادت همراه بود، عزم قاطع خود را در ادامه مبارزه تا سرنگونی رژیم دنبال کرند. ایشان برای پیشبرد انقلاب از نمادهای فرهنگ سیاسی شیعه استفاده وافر می‌کردند. از جمله این موارد تشبیه شهدای انقلاب به شهدای کربلا، شهادت امام حسین (علیه‌السلام) و ایثار یاران وی بود (شیبانی، ۱۳۸۳: ۱۳٦-۱۳۵).

۳-۲-۲. چپ‌ها و انقلاب اسلامی ایران

در دوران انقلاب اسلامی هوادارن فکری و ایدئولوژیک حزب توده در جهت تحقق جامعه کمونیست تلاش می‌کردند و جنبش اجتماعی و سیاسی مردم ایران را به سمت و سوی باورها و تحلیل‌های خود سوق می‌دادند. بنابراین به نحوی تاکتیکی به انقلابیون برای از بین بردن شاه کمک می‌کردند (نجاتی، ۱۳۷۳: ۳۲۹-۳۲۷).

به نحوی که در زمینه تبلیغات، رهبری حزب توده قیام ۱۵ خرداد ۱۳٤۲ را «قیام خشم و کین علیه شاه» نامید؛ از مبارزه «آیت‌الله خمینی»، آیت‌الله طالقانی و دیگر روحانیون در اعتراض به تصویب قانون کاپیتولاسیون ستایش کرد و لزوم اتحاد کلیه نیروهای ملی و ضد استعماری را برای طرح مبارزه مشترک پیشنهاد نمود. اما رژیم پس از چندی عناصر اصلی حزب را دستگیر و به زندان‌های طولانی محکوم کرد. فعالیت حزب توده در ایران عملاً از سال ۱۳٤٦ متوقف شد. حزب توده در تظاهرات ۱۳۵۷ با صدور چند اعلامیه از جنبش انقلابی مردم و نیز پیشنهاد ایجاد جبهه متحد آزادی ملی و تدارک همه‌جانبه مبارزه مسلحانه پشتیبانی کرد. همچنین کمیته مرکزی حزب توده در اعلامیه ۲۷ دی ماه ۱۳۵۷ ابتکار «آیت‌الله خمینی» را در تشکیل شورای انقلاب اسلامی تأیید نمود و پس از تعیین مهندس بازرگان به نخست وزیری، لزوم پشتیبانی از دولت او را تأکید کرد و در اعلامیه ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ نیز، حضور علنی خود را در صحنه اعلام کرد (نجاتی، ۱۳۷۳: ۳۲۹-۳۲۷).

۳-۲-۳. بازار و انقلاب اسلامی ایران

یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که بر آن در وقوع انقلاب ایران تأکید زیادی می‌شود، نقش بازار سنتی است. نقش بازار در فرآیند انقلاب اسلامی را می‌توان از دو جنبه اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار داد.

۳-۲-۳-۱. نقش اقتصادی بازار در جریان انقلاب اسلامی

از لحاظ اقتصادی بازار نقش مهمی در پشتیبانی و حمایت از مبارزات انقلابی و انقلابیون داشت:

– بسیاری از مساجد و حسینیه‌ها در شهرهای بزرگ در کنار بازار و توسط بازاریان ساخته می‌شد. برخی از این مساجد به نام بانیان آن‌ها نام‌گذاری شده است، مانند: مسجد جلیلی، مسجد حاج علی‌اکبر بزاز، مسجد حاج حسین بلورفروش و...

– تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه در بازار یا مساجد و کمک‌های مالی بازاریان یکی از راه‌های حمایت بازار از نهضت انقلابی ایران بود (مهری، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۲).

– با توجه به اعتقادات مذهبی بازاریان، آن‌ها خود را ملزم به پرداخت وجوهات شرعیه به علما و حوزه‌های علمیه می‌دانستند. در واقع درآمد روحانیون از این راه تأمین می‌شد (فورن، ۱۳۸۸: ٤٩٩).

– پشتیبانی مالی بسیاری ازاعتصابات دانشجویی و بعد از آن اعتصابات گسترده کارگری و همچنین حمایت مالی خانواده‌های کشته‌شدگان درگیری‌های سال ۱۳۵۷ (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ٦٥٧).

۳-۲-۳-۲. نقش سیاسی بازار در انقلاب اسلامی ایران

از لحاظ سیاسی موقعیت بازار و جمعیت آن نقش مهمی در شکل‌گیری تظاهرات مردمی داشت. با توجه به اینکه بازاریان اولاً چندین هزار مغازه داشتند و ثانیاً با جمعیت زیادی از مردم در ارتباط بودند، هرگاه که اتفاقی می‌افتاد، بازار را بسته و در مساجد تجمع می‌کردند. تعطیلی بازار باعث نارضایتی مردم و اعتراض به دولت می‌شد و تا حدی زمینه شکل‌گیری تظاهرات مردمی را فراهم می‌کرد (فورن، ۱۳۸۸: ٤٩٨). برخی

دیگر از فعالیت‌های سیاسی بازاریان را می‌توان به موارد زیر خلاصه کرد:

– مبارزه بازاریان با رژیم به وسیله تشکیل «اتحادیه نگهبانان قانون اساسی و حقوق فردی» توسط صدها تن از تجار در جریان اصلاحات ارضی شاه و رفراندوم بهمن ۱۳٤۱؛

– تعطیلی و واکنش جدی بازار در جریان انتشار مقاله روزنامه اطلاعات در ۱۷ دی ماه ۱۳٥٦ و درخواست آن‌ها مبتنی بر عذرخواهی علنی رژیم از جامعه روحانیت؛

– تعطیلی بازار و اعتراضات گسترده بازاریان در حوادث قم و تمام اربعین‌های زنجیره‌ای پس از آن در سال‌های ۱۳٥۷–۱۳٥٦.

این اعتراضات و تظاهرات تا لحظه ورود حضرت امام خمینی به ایران ادامه یافت و بازار نیز نقش بایسته خود را تا پیروزی قاطع مردم ایران از یاد نبرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ٦۲۹–٦۲۷).

۳-٤. ملی‌گراها و انقلاب اسلامی ایران

از دیگر گروه‌هایی که در جریان انقلاب اسلامی تاحدودی در سیاسی کردن و در روند انقلاب سهیم بودند ملی‌گراها بودند که در رأس آن‌ها جبهه ملی و نهضت آزادی قرار داشتند.

۳-٤-۱. جبهه ملی و انقلاب اسلامی

جریان ملی‌گرا، به‌رغم تجربیات عینی خود در سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ و استفاده از شهرت و محبوبیت دکتر مصدق، تا سال‌های نزدیک به شروع انقلاب اسلامی فعالیتی نداشت (ذوعلم، ۱۳۸۱: ٦۱)؛ اما بار دیگر در سال ۱۳٥٦ به دنبال اعلام فضای باز سیاسی از جانب حکومت شاه، جبهه ملی به فعالیت پرداخت، آنچه بزرگ‌ترین ضربه را در درازمدت بر پیکره جبهه ملی وارد کرد همانا کناره‌گیری مهندس بازرگان و متحدان او از این جبهه بود که آن‌ها را از ارتباط با جامعه روحانیت محروم کرد (میلانی، ۱۳۸۷: ۱٥۳).

پس از کودتای ۱۳۳۲ برخی از ملی‌گرایان به غرب گریخته و جبهه ملی در تبعید را تشکیل دادند. این جبهه به دو سازمان سکولار و اسلامی رقیب که هر دو داعیه پیروی راستین از خط مصدق را داشتند، تقسیم می‌شد و هر دو سازمان مذکور در تأسیس اتحادیه دانشجویان ایرانی مقیم اروپای غربی و آمریکای شمالی نقش داشتند.

سازمان‌های دوگانه مزبور در مقایسه با همتایان داخل کشور خود، از جهت عقیدتی، تندروتر بودند. یکی از این دو سازمان با نهضت آزادی مهندس بازرگان در ایران و نیز امام خمینی (ﷺ) در عراق ارتباط داشت. گروه دیگر که مدافع ناسیونالیسم بود، عمدتاً به نشر و اشاعه ادبیات انقلابی همت گماشته و به حمایت سازمان‌های چریکی فعال در ایران، در سطح اروپا و آمریکا پرداخت و همچنین کانال ارتباطی میان چریک‌ها با سایر گروه‌های تندروی خاورمیانه بود (همان، ١٥٤). جبهه ملی به دلیل دفاع از ناسیونالیسم ایرانی و نقش آن به عنوان میراث‌دار مصدق از قدرتی بالقوه نیرومند برخوردار بود و شاید به همین دلیل بود که ساواک آن را تهدیدی برای رژیم شاه محسوب می‌کرد.

۳-٤-۲. نهضت آزادی ایران و انقلاب اسلامی ایران

نهضت آزادی در سال ١٣٤٠ به عنوان یک گروه منشعب از جبهه ملی ایران بوجود آمد. مهندس بازرگان به عنوان یکی از مؤسسین آن، هدف از تشکیل نهضت را «حفظ اصالت نهضت ملی، در چارچوب وحدت با جنبش نوین اسلامی» عنوان کرده است (جعفریان، ۱۳۸۲: ۲۰۸).

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی، نهضت آزادی با حمایت از امام خمینی (ﷺ) به مبارزه با رژیم پرداخت و با افزایش تماس و همکاری با روحانیت تلاش‌های خود را در راستای تحقق انقلاب اسلامی افزایش داد و امام (ﷺ) در چهارمین روز بازگشت به ایران مهندس بازرگان را به نخست وزیری منصوب کرد (پارسانیا، ۱۳۷۷: ۳۸۵).

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد با یک سطح تحلیل تلفیقی، ابعاد مختلف ساختاری و کارگزاری زمینه‌های وقوع نهضت ملی و انقلاب اسلامی بررسی شود. در اینجا تلاش می‌شود به مقایسه این ابعاد پرداخته شود: در بعد ساختاری، در زمینه اقتصادی مهم‌ترین عامل در نهضت ملی، مسئله نفت و اجحاف در قراردادهای نفتی بود، اما در انقلاب اسلامی رانتی شدن دولت و استقلال دولت از طبقات مسلط جامعه مسئله‌ای اساسی محسوب می‌شد. در زمینه اجتماعی، در نهضت ملی ظهور طبقات متوسط جدید همچون

روشنفکران، دانشگاهیان، کارمندان، معلمان، وکلا، قضات و غیره و همبستگی آن‌ها با طبقات متوسط سنتی یعنی صنوف بازاری و روحانیون مهم‌ترین عامل بود. در انقلاب اسلامی هم همبستگی این طبقات مهم‌ترین عامل محسوب می‌شود. همان‌طور که گفته شد نوسازی دهه چهل شمسی منجر به مهاجرت‌های وسیع و ظهور طبقات جدیدی مانند کارگران صنعتی، سرمایه‌داران صنعتی و مالی و افول طبقات دهقانی و ایلیاتی شده بود و به همین دلیل مهم‌ترین طبقات مشارکت‌کننده در انقلاب اسلامی طبقات شهری بودند و روستاها و ایلات در آن نقش کمتری داشتند. در زمینه سیاسی، در نهضت ملی، شاه از سال ۱۳۲۷ طریق دیکتاتوری پیشه ساخت و از طریق دربار و نمایندگان حامی خود در مجلس تلاش کرد قدرت خود را بیشتر و نخست وزیر را محدود سازد. سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ در جهت حمایت از شاه و علیه نهضت ملی بود و در آخر نیز حکومت ملی را با کودتا برانداختند. در انقلاب اسلامی هم شاه با سرکوب قیام ۱۵ خرداد و پس از آن با سرکوب تمامی نیروهای مخالف تا سال ۵۷ شمسی، انقلابیون را به حرکت‌های چریکی و نظامی سوق داد و به حکومتی کاملاً دیکتاتوری شد که بر پایه نیروهای نظامی و امنیتی حکومت می‌کرد. در زمینه فرهنگی، در نهضت ملی ایدئولوژی غالب ایدئولوژی ناسیونالیستی بود و بدنه اصلی روحانیت به زعامت آیت‌الله العظمی بروجردی دخالتی در سیاست نمی‌کرد، تنها نیروی مذهبی که تأثیر زیادی در نهضت نفت داشت آیت‌الله کاشانی و فداییان اسلام بودند. اما در انقلاب اسلامی، ایدئولوژی غالب و بسیج‌گر، ایدئولوژی تشیع بود و با رهبری امام خمینی (ﷺ) روحانیون و سایر گروه‌های مذهبی پیشتازان انقلاب بودند و رهبری آن را به‌دست گرفتند و نیروهای مذهبی جریان اصلی نیروهای انقلابی بودند.

در بعد کارگزاری، در نهضت ملی، ابتدا ائتلاف بین نیروهای ملی‌گرا به رهبری دکتر مصدق و تحت لوای جبهه ملی، با نیروهای مذهبی به رهبری آیت‌الله کاشانی و نیروهای بازار سبب پیروزی نهضت و ملی شدن نفت و بیرون راندن انگلیسی‌ها از صنعت نفت شد. در انقلاب اسلامی، باز هم ائتلاف میان نیروهای مذهبی، روشنفکری و بازاری به عنوان نیروهای پیشتاز صورت گرفت و سپس سایر گروه‌ها و طبقات به آن‌ها پیوستند. رهبری بلامنازع نهضت با امام خمینی (ﷺ) و هواداران و یاران ایشان بود.

سایر گروه‌های غیرمذهبی چه چپ مانند حزب توده، چریک‌های فدایی خلق، سازمان مجاهدین خلق و غیره؛ و چه راست مانند بقایای جبهه ملی، نهضت آزادی و شخصیت‌های مستقل همه در پشت رهبری ایشان قرار گرفتند و به همین ترتیب ائتلافی همه گروهی و همه طبقاتی علیه نظام شاهی صورت پذیرفت که در آخر منجر به براندازی آن شد.

مدل شماره ۱- علل ساختاری و کارگزاری نهضت ملی نفت

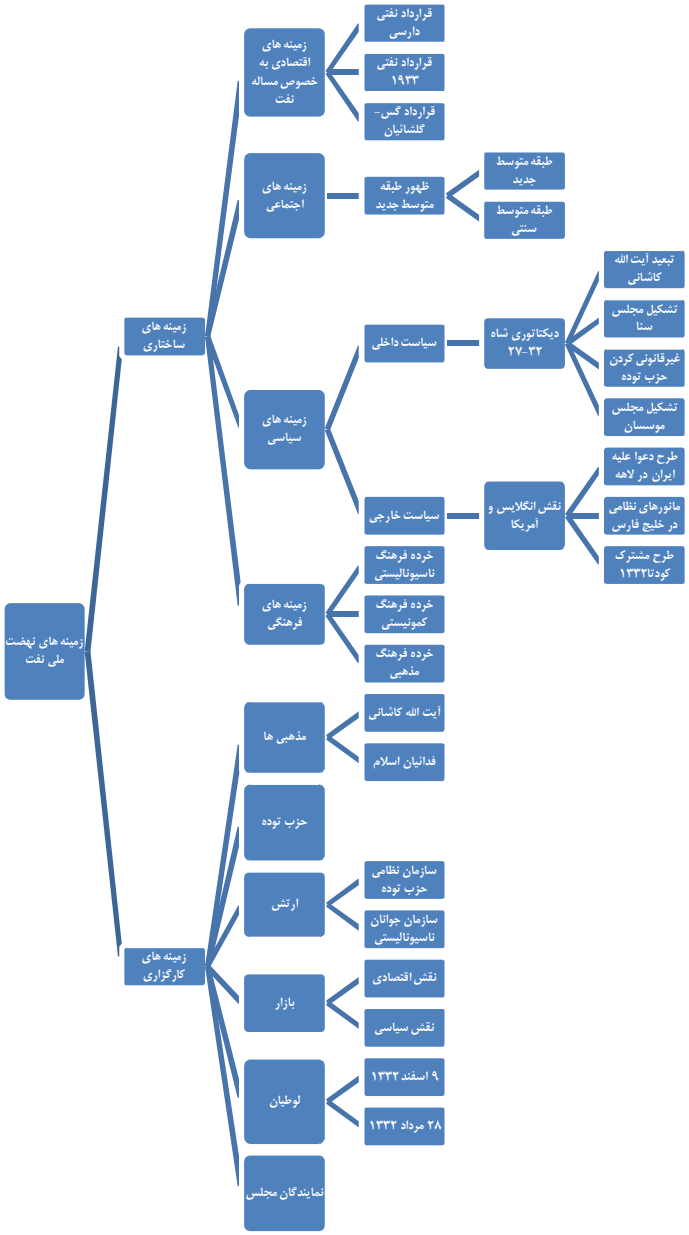

منبع: نویسندگان

مدل شماره ۲- علل ساختاری و کارگزاری انقلاب اسلامی ایران

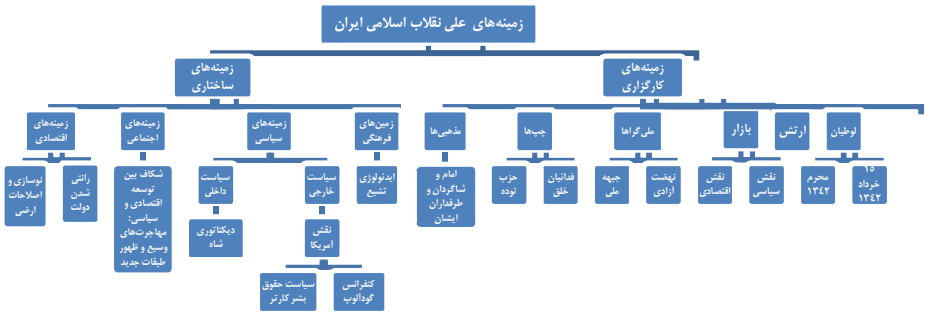

منبع: نویسندگان

کتابنامه

ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۴). «نقش فرهنگ سیاسی شیعه در انقلاب اسلامی ایران»، معرفت، شماره ۹۸، صفحه ۲۳-۱۰.

ابوطالبی، مهدی (۱۳۹۱). «نقش عناصر و نمادهای مذهبی شیعه در نهضت ملی شدن صنعت نفت»، معرفت، شماره۱۷۲، صفحه ۸۸-۶۹.

اردلان، علی، زعیم، کوروش (۱۳۷۸). جبهه ملی ایران از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد، چاپ اول، تهران: ایران مهر.

ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، چاپ سوم، تهران: سمت.

اسکاچپول، تدا (۱۳۸۲). «اسلام شیعی در انقلاب ایران»، ترجمه محمد تقی دلفروز، مطالعات راهبردی، شماره۱۹، صفحه ۱۴۲-۱۱۹.

افروغ، عماد (۱۳۷۲). «طبقات اجتماعی در دوران پهلوی»، فصلنامه راهبرد، شماره۲.

اکبرزاده، فریدون (۱۳۸۰). رهبری در نهضت مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

امینی، علیرضا (۱۳۸۱). تحولات سیاسی و اجتماعی در دوران پهلوی، تهران: صدای معاصر.

آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۸). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

پارسانیا، حمید (۱۳۷۷). پژوهشی در انقلاب اسلامی، چاپ سوم، قم: معاونت امور اساتید و دروس

معارف اسلامی.
جعفریان، رسول (۱۳۸۲). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ـ سیاسی ایران سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۲۰، چاپ چهارم، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
حسینیان، روح الله (۱۳۸۵). بازخوانی نهضت ملی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
خلیلیان، محمد جمال (۱۳۷۲). «تحلیلی بر نهضت ملی شدن نفت ایران»، معرفت، شماره۷، صفحه ۶۶-۵۹.
دلاوری، ابوالفضل (۱۳۷۵). «طرحی برای مطالعه زمینه‌ها و علل اجتماعی وقوع انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۹، صفحه ۸۸-۴۸.
ذوعلم، علی (۱۳۸۱). «روند شکل‌گیری رهبری امام خمینی»، اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۲، صفحه ۷۰-۵۵.
ذوقی، ایرج (۱۳۷۲). مسائل سیاسی ـ اقتصادی نفت ایران، تهران: پاژنگ.
رهبری، مهدی (۱۳۸۵). ایدئولوژی، رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی انقلاب اسلامی)، جلد اول، تهران: عروج.
رهدار، احمد (۱۳۸۸). «روحانیت و ملی شدن صنعت نفت»، پانزده خرداد، شماره ۲۰، صفحه ۱۲۸-۴۷.
زاده محمدی، مجتبی (۱۳۸۵). لومپن‌ها در سیاست عصر پهلوی ۱۳۴۲-۱۳۰۴، چاپ اول، تهران: مرکز.
ژیسکاردستن، والری (۱۳۶۸). قدرت و زندگی: کنفرانس گوادلوپ، ترجمه محمود طلوعی، تهران: پیک نشر و ترجمه.
شیبانی‌فر، محمدحسین (۱۳۸۳). «نقش نخبگان در پیروزی انقلاب اسلامی»، اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۱ و ۱۲، صفحه ۱۴۵-۱۳۲.
شیخ نوری، محمد امیر، صابری، شیدا (۱۳۹۲). «نقش طبقات متعدد در جنبش ملی شدن صنعت نفت»، سخن تاریخ، شماره ۱۸، صفحه ۷۱-۵۱.
صمیمی، مینو (۱۳۷۰). پشت پرده تخت طاووس، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: اطلاعات.
طبری، نقی (۱۳۸۰). «گروه‌های کلیدی در نهضت مشروطه و ملی شدن صنعت نفت»، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۶، صفحه۲۴۴-۲۲۹.
فردوست، حسین (۱۳۶۸). ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد اول، تهران: اطلاعات.
فوران، جان (۱۳۸۲). تحلیلی نظری از انقلاب ۱۹۷۹-۱۹۷۷، ترجمه سیدصدرالدین موسی،پژوهشنامه متین، شماره ۱۹، صفحه ۱۵۶-۱۱۹.
فوران، جان (۱۳۸۸). مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات خدمات فرهنگی رسا.
کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۳). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، چاپ چهارم، تهران: مرکز.

کاتوزیان، همایون (۱۳۷۲). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
کاتوزیان، همایون (۱۳۷۲). مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.
کاتوزیان، همایون (۱۳۷۲). مصدق و نبرد قدرت، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات خدمات فرهنگی رسا.
کارگر جهرمی، وحید (۱۳۹۲). «تحلیل روابط کاشانی و نواب صفوی در پیروزی و شکست نهضت ملی ایران»، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیست و سوم، دفتر چهارم؛ صفحه ۹۰-۶۰.
کدی، نیکی.آر (۱۳۶۹). ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبالرحیم گواهی، تهران: قلم.
کریمی، بهنام (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی نهضت ملی ایران، تهران: انتشارات قصیده سرا.
گروهی از هوادارن نهضت اسلامی ایران و اروپا (۱۳۵۸). روحانیت و اسرار فاش نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت، انتشارات دارالفکر.
مجتبی زاده، عبدالکاظم (۱۳۸۸). فساد در رژیم پهلوی دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۱). تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۵). روحانیت و ملی شدن صنعت نفت، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
معمار، ثریا (۱۳۸۵). ایدئولوژی، رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی انقلاب اسلامی)، جلد اول، تهران: عروج.
مقصودی، علی‌اصغر (۱۳۹۰). «تحلیل جامعه‌شناختی جنبش ملی شدن صنعت نفت»، مدیریت و منابع انسانی صنعت نفت ایران، شماره ۱۵، صفحه ۱۵۸-۱۴۱.
مهری، فرشید (۱۳۸۳). مساجد بازار تهران در نهضت امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
میلانی، محسن (۱۳۸۱). شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، ترجمه مجتبی عطارزاده، چاپ پنجم، تهران: گام نو.
نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۳). تارسخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، جلد اول، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
نصیری، محمد (۱۳۸۷). «نقش معنویت در پیروزی انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، حصون، شماره۱۶،صفحه ۱۱۳-۱۰۱.
هراتی، محمد جواد، ظفری، محمود (۱۳۹۲). «تفاوت نقش و جایگاه ارتش در فرآیند انقلاب اسلامی ایران و تحولات ۲۰۱۱مصر»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۸، صفحه ۱۵۵-۱۳۹.
Fadaee, Simin (March 2012). *Social Movements in Iran: Environmentalism and Civil Society*. Routledge
Giddens, Anthony (1984). The Constitution of Society: Outline of Theory of Structuration. Berkeley University of California Press.
Giddens, Anthony (1989). "A Reply to My Critics", in D. Held and J.B. Thompson (eds.)

Social Theory of Modern Societies, Cambridge, Cambridge University Press.
Golshani, Alireza; Jadidi, Ali. *"Comparative Study of the Iran Oil Nationalization Movement and the Nuclear Energy Within Rounscronce and Kaplun's Theory"Indian J.Sci.Res.6 (1): 95-107,*
Hilsum, Lindsey. "Patriot of Persia: Muhammad Mossadegh and a Very British Coup by Christopher de Bellaigue – review" *guardian*. Retrieved 2012